

عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

نهیضتهای ملی ایران

(۶۴)

بازگشت یعقوب از فارس به سیستان

سفر جنگی یعقوب لایت به کرمان و فارس نزدیک پنج ماه طول کشید (از ذیحجه سال ۲۵۳ تا جمادی الاول سال ۲۵۵ هجری)

وی روز شنبه دوشب مانده از جمادی الاول سال ۲۵۵ روی بجاناب مشرق نهاد و علی بن حسین و طوق بن مغلس نیز بصورت اسیر همراه او بودند.

چون به کرمان رسید برای نشان دادن فتوحات خود در نزد مردم و قدرت نمائی دستور داد به علی بن حسین و طوق بن مغلس لباسهای رنگارنگ و چادر و چاقچور پوشانند سپس آنانرا در شهر کرمان گردانند و باز دوباره آنان را دربند کردند، سپس از کرمان متوجه سیستان شد (۱) و در روز پنجشنبه پنج روز باقیمانده از ماه رجب سال ۲۵۵ هجری به سیستان رسید و این ماه مقارن با گذشته شدن خلیفه المعتمد بالله بود، (۲)

مرک خلیفه معتز

در سال ۲۵۵ هجری یکی از ترکان متمنغذ در بار خلافت بنام صالح بن وصیف ترک بایک حمله سریع و ناگهانی احمد بن اسرائیل منشی وزیر معتز بالله و حسن بن مخلد سرپرست دفتر اداره املاک و عیسی بن ابراهیم بن نوح و علی بن نوح از بزرگان دولت خلیفه معتز را دستگیر نموده بزندان نشان افکند، و پس از شکنجه زیاد به اموال و املاک آنان دست یافت و بر کارها مسلط شد، خلیفه معتز که از این وضع ناراضی بود تصمیم گرفت

۱- وفیات الاعیان ج ۵ صفحه ۴۵۲

۲- تاریخ سیستان به تصحیح ملک الشعرای بهار صفحه ۲۱۴

صالح را از کار برکنار کند ، ولی قبل از اینکه موفق شود صالح بن وصیف وی را دستگیر ساخت و در اطاق توقیف نمود و سپس او را مجبور کرد که خود را از خلافت خلع نموده و خلعنامه را امضاء کند ، دو روز از این واقعه نگذشته بود که خبر مرگ معتز بالله اعلام گردید ، با این ترتیب معلوم بود که در اثر شکنجه در زندان کشته شده است (رجب سال ۲۵۵ - هجری) . مدت حکومت معتز بالله از روزی که بیعت او بانجام رسید تا روزی که خود را خلع کرد چهار سال و نه ماه بوده و موقع مرگ بیست و دو سال داشته است (۱)

دوره خلافت کوتاه محمد مهتدی

پس از خلع معتز بالله از خلافت ، فرماندهان اتفاق کردند که در بین فرزندان خلفا از محمد بن واثق که مادرش کنیزی بود که او را (قرب) میگفتند کسی برتر و خردمندتر نیست و او از کسانی بود که در ایام خلافت معتز بالله به بغداد فرستاده شده بود ، پس وی را فرا خواندند و با او بخلافت بیعت کردند (رجب سال ۲۵۵ هجری) ولی کار خلافت در دست صالح بن وصیف و بابکبک ترک بود ، بموجب دستور صالح ، احمد بن اسرائیل و عیسی بن ابراهیم بن نوح را از زندان به (باب الامامه) آوردند و آنقدر آنها را زدند که آنان در همانجا مردند .

یعقوبی نوشته است (۲) پس از مدتی مهتدی از ترکان رنجیده خاطر گردید و تصمیم گرفت به ایرانیان توجه نماید ترکان از این موضوع خبر یافتند و از وی بیمناک شدند و با او بمخالفت پرداختند مهتدی جماعتی از آنان از جمله رئیس ایشان بابکبک را احضار کرد و گردن زد .

با انجام این کار ترکان گردهم جمع شدند و فتنه ها برانگیختند مهتدی لباس

۱- تاریخ یعقوبی جلد دوم صفحه ۵۲۷

۲- تاریخ یعقوبی جلد دوم صفحه ۵۲۸

جنگ بتن‌کرده در حالی که قرآن بگردنش آویخته بود ، بجنگ ترکان بیرون آمد و توده مردم را بمنظور جنگ با ترکان بسیج داد و جان و مال ترکان و غارت خانه‌های ایشان را بر مردم مباح گردانید ، ولی مهتدی با اعلام این بسیج عمومی نیز موفق نگردید و ترکان بروی غالب گردیدند و توده مردم از گرد وی پراکنده شدند و بکوتنها درحالیکه چندین زخم برداشته بود از میدان کارزار گریخت و بخانه یکی از فرماندهان بنام احمد بن جمیل پناه برد ، ترکان که در تعقیب وی بودند بمجرد ورود بخانه مزبور او را دستگیر ساختند و درحالیکه از زخم‌های وی خون جاری بود بر اسب سوارش کردند و از او خواستند که خود را از خلافت خلع کند ولی مهتدی از انجام این کار امتناع ورزید و پس از دوروزندگی را بدرود گفت (رجب سال ۲۵۶ هجری) مدت خلافت مهتدی را یازده روز کمتر از یکسال نوشته‌اند

خلافت احمد معتمد

پس از کشته شدن محمد مهتدی بشرحی که گذشت ترکان موافقت کردند که کار خلافت اسلامی به احمد معتمد علی‌الله پسر جعفر متوکل که مادرش کنیزی رومی بنام (فتیان) بود محول گردد .
پس آنگاه با وی بخلافت بیعت کردند و مردم بغداد نیز به تبعیت از آنان به بیعت او گردن نهادند (رجب سال ۲۵۶ هجری) خلیفه معتمد ، عبدالله بن یحیی بن خاقان را بعنوان وزیر خود تعیین کرد و کارهای اداری خلافت را بعهده وی نهاد و فرمان خلافت و مراتب بیعت مردم را به کلیه کشورهای تابعه دولت اسلامی فرستاد و حکومت سلسله طاهریان و محمد بن طاهر را در مشرق ایران بعنوان حکومت دست‌نشانده دولت عباسی برسمیت شناخت و تأیید کرد ، بموجب نوشته هند و شاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی نخجوانی مؤلف کتاب تجارب السلف معتمد مردی ضعیف‌الرأی بود و برادرش بنام الموفق طلحه بر کلیه کارهای خلافت غالب گردیده بود و روپمرفته دولت معتمد وضعی غریب

داشت خطبه و سکه و امارت بنام معتمد بود اما امر ونهی و ترتیب عزل و نصب و حل و عقد کارها بدستور برادرش انجام میگرفت (۱)

قیام زنگیان مقیم عراق بسرداری یکنفر ایرانی

همانطور که دیدیم دولت بی ثبات عباسیان در این دوره دست خوش آشوب و نابسامانی عجیبی بود و هر چند مدت يك فرمانده ترك بر امور خلافت تسلط می یافت و خلیفه ای بنا بمیل خود برای دولت پهنادر اسلامی تعیین مینمود کمی از این واقعه نمی گذشت که يك فرمانده ترك دیگر خلیفه تعیین شده قبلی را از خلافت خلع کرده و او را بقتل میرساند در يك چنین وضعی یکنفر ایرانی از اهل ورزین ری بنام علی بن محمد از موقوفیت مذکور استفاده کرد و توجه زنگیان مقیم بصره را که بعنوان برده و غلام در نزد بزرگان و فرماندهان دولت عباسیان خدمت می کردند بخود جلب کرد و با دادن وعده های فریبنده آنان را آماده قیام بر ضد صاحبان خود و در نتیجه علیه خلافت عباسیان کرد ، در مورد تعداد زنگیان مورد بحث که مورخان عرب آنرا تحت عنوان فتنه زنج ثبت نموده اند .

مؤلف کتاب تجارت السلف چنین نوشته است:

(در این روزگار زنگیان بسیار به بصره بودند چنانکه هیچ سرایی از سراهای اکابر و اوساط الناس از یکی یا دو یاسه یا زیادت خالی نبود و در بعضی از تواریخ بصره چنان آورده اند که در شب نیمه شعبان که موسم جمعیت و شعلان بوده است اکابر و اعیان شهر تمامت جمع شدند از جمله شبی از شبها از احوال حاضران تتبع نموده بودند هزار خواجه حاضر بود که هر يك از ایشان هزار غلام زنگی داشت از اینجا باید قیاس کرد که چند بوده باشند) (۲)

۱ - تجارت السلف به تصحیح شادروان عباس اقبال آشتیانی صفحه ۱۸۹

۲ - تجارت السلف به تصحیح مرحوم اقبال آشتیانی صفحه ۱۹۰

علی بن محمد که زنگیان بصره و نواحی اطراف آنجا را با وعده‌های نیکو با خود همراه ساخته بود پس از مدتی مطالعه نقشه قیام طرح کرده و بطور پنهانی آنرا به همه زنگیان مذکور ابلاغ نمود بموجب این نقشه هر زنگی موظف بود در یک روز و یک ساعت معین صاحب خود را بکشد و با انجام این کار زن و مال و خانه و املاک صاحبش بطور کلی متعلق باو میشد.

به همین جهت عموم زنگیان مقیم عراق آمادگی خود را مبنی بر همکاری با علی بن محمد اعلام داشتند و در نتیجه نقشه ماهرانه او بشرحی که گذشت بمرحله اجرا درآمد و شورش عظیم زنج یا زنگیان بوقوع پیوست و علی بن محمد در اندک مدت شهرهای بصره و واسط را متصرف شد و دامنه قدرت خود را به شهرهای دیگر عراق هم چنین بحرین و هجر گسترش داد و بنام (صاحب زنج) شهرت یافت.

شورش زنگیان (غلامان سیاه‌چشمی) مقیم عراق نزدیک پانزده سال یعنی از سال ۲۵۵ تا سال ۲۷۰ هجری بطول انجامید و در این مدت نهایت وحشت و اضطراب برای دولت عباسیان بوجود آورد علی بن محمد فرمانده زنگیان (صاحب زنج) مردی عاقل و فاضل و بلیغ و شاعر بود و با اینکه خود را از فرزندان علی بن ابیطالب (ع) میدانست و به نژاد و تبار خود تفاخر می‌کرد معذالک بجای اصول عقاید شیعه اصول عقاید ازارقه (فرقه‌ای از خوارج) را رسماً اعلام نمود پرفسور ادوارد براون مینویسد (۱) (این رهبر بزرگ و موقع شناس از احوال و روحیه همراهان خود بخوبی باخبر بود او میدانست که هر اندازه این وسیله برای جلب هم‌وطنان خودش مؤثر باشد در نظر کسانی که ذهنشان بیشتر آماده پذیرفتن آراء دموکرات منشانه خوارج بود و به آمال و آرزوهای احساساتی شیعیان و ولایت موروثی رغبتی نداشتند بهیچوجه چنگی بدل نمیزد، بنابراین کاملاً روشن است که چرا قرمط که یکی از مؤسسان قرمطیان بود بدلائل دینی تصمیم گرفت

با رهبر سیاهان رابطه‌ای نداشته باشد و حال آنکه اگر با وی ارتباطی برقرار کرده بود برای او فایده داشت).

سرانجام بعد از ۱۵ سال فتنه زنگیان سرکوبی شد

موفق طلحه برادر معتمد صاحب قدرت بزرگ این زمان در سال ۲۵۸ هجری با لشکری گران بجننگ صاحب زنج رفت او در حوالی بصره به زنگیان برخورد و لسی شکست یافت و بازگشت وی در جنگ دوم با آنان نیز منتهز شد، لشکرگاه و میدان کارزار زنگیان میان واسط و بصره واقع بود زنگیان در آنجا حصارها ساختند و علی بن محمد علوی معروف به صاحب زنج در آن سرزمین شهری بنا کرد و آنجا را مختاره نامید در این سالها زنگیان همواره در شهرهای بصره و واسط و اهواز و سواحل خلیج فارس از طرف شمال و جنوب به کشتار و غارت مشغول بودند و موفق تا سال ۱۲۷۰ هجری نتوانست این شورش عظیم و بردارنده را سرکوبی نماید ولی در آخر سپاهی بزرگ فراهم آورد و بدفع زنگیان فرستاد و در نتیجه آن گروه بی باک در ناحیه بی باطلاقی تسلیم شدند و پس از پانزده سال خون ریزی و تاخت و تاز پیشوای آنان بقتل رسید و فتنه مذکور فرو خوابید. (بقیه در شماره آینده)

کلده نامی است که بر قسمت ساحل فرات گفته می‌شده و در ناحیه بین بابل و خلیج فارس قرار داشته و بعدها آن را عمومیت داده در دوره‌های بعد تمام آن کشور را کلده نامیده‌اند. در کتب مقدسه اشاره به کلده بسیار شده که غالباً مقصود همان ملک بابل است. کلدانیان از نژاد سامی‌اند و اصل آنها از عربستان جنوبی است قومی متمدن و دارای خط و کتابت بوده‌اند.

(تاریخ ادیان)